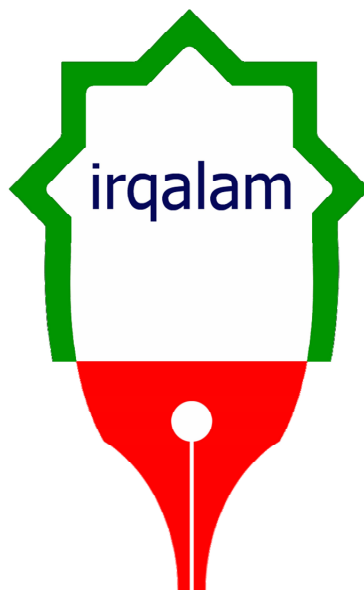


سایت تخصصی تاریخ (قلم ایرانی)



گل در فرهنگ ایران از عهد باستان تا کنون
ایرانیان نخستین ملتی بودند که گل هدیه دادند

پژوهشی از دکتر محمد حسن ابریشمی

<http://www.irqalam.com>

امروز در عصر ما ، زیباترین و ارجمند ترین و در عین حال در دسترس ترین و تا حدودی ارزان ترین تحفه ها يك شاخه یا دسته گل است که به مناسبت های بسیاری هدیه میشود . این اقدام بدیع و شایسته که اکنون در بین همه جوامع و اقوام و ملل در سراسر جهان کم و بیش متداول است پیشینه بسیار دور و درازي مخصوصا در قلمروهاي فرهنگي ایران و به تبع آن در حوزه پهناور نفوذ زبان فارسي ، دارد . در این مقاله به استناد آثار باستان شناختي موجود و با استفاده از مستندات تاریخي و متون کهن ، پیشینه دسته گل در ایران از عهد باستان تا عصر حاضر ، مورد بررسی و تتبع قرار میگیرد . در باب مراسم گل افشانی و تهیه تاج گل و گل آرایي در عصر هخامنشیان مورخان و نویسندگان یوناني و رومي عهد باستان مطالب قابل توجه بسیاری نوشته اند و در منابع پس از آن حتي در بعد از اسلام مطالب فراواني در این باب موجود است که در این مقاله به لحاظ ایجاز از پرداختن به آنها پرهیز میشود . قدیم ترین و زیباترین سند درباره پیشینه دسته گل در ایران ، گل و غنچه های دست داریوش در سنگ نگاره های تخت جمشید است که بیشتر از ۲۵۰۰ سال سابقه دارد . بنابر نظر تحلیل گران تاریخ ، این نقوش ، مراسم برپایی جشن نوروز ، و به گمان برخی جشن تولد و بعضي مراسم تاج گذاری را به نمایش می گذارد . هر چه که باشد این مراسم به پیروي از سنت های کهن تري بر پا شده که در عهد داریوش با آن شکوه تجلي پید کرده و در عین حال شاهد ارجمند و کاملا گویايي از علاقه و توجه ایرانیان نسبت به گل و تقدیم و هدیه دسته گل است . اوژن فلاندن در سال ۱۸۴۱ م نوشته است از نقوش تخت جمشید يك چیز دستگیر ما شد که در بین ایرانیان قدیم معمول بوده و هنوز هم متداول است و آن دسته گل می باشد . ایرانیان سخت خوش دارند همیشه شاخه گلي در دست داشته باشند که تقدیم دوستي کنند . در برخی از سکه های بر جای مانده از عصر اشکانیان الهه ای را نشان می دهد که گل یا دسته گل یا شاخه همیشه سبز نخل یا مورد را در دست دارد . از جمله آثار ساسانیان مهري از جنس عقیق بی رنگ با نقش گلي در دستي کشیده و ظریف است که در مجموعه وست هان نگهداري میشود و نقش آن را ایدت پراوا نقل کرده است . دیگر نقش حجاري شده بر سینه کوهي در ناحیه برم دلك در ۶ کیلومتری قصر ابونصر و ۱۲ کیلومتری شرق شهر شیراز است که در آن نقش مردی در حال تقدیم گلي به بانویی را نشان می دهد . نقش بسیار جالب بانویی دسته گل به دست از عهد ساسانیان توسط پرفسور گریشمن در بیسابور کشف شده که اکنون قطعه موزاییک آن در موزه ایران باستان موجود است . منابع اسلامي نیز از تهیه دسته گل در ایران عصر ساسانیان خبر می دهند . مثلا ابوحنیفه دینوري (قرن ۲ هجری) در شرح واقعه پیروزي بهرام گور بر ترکان بلخ و تعقیب آنان تا آن سوی آمویه (رود جیحون) و باز گشت پیروزمندانه او به جشن و شادمانی های ایرانیان اشاره می کند و می افزاید به خوشگذرانی پرداختند آنچنان که کرایه اسب دوانی در يك روز به بیست درهم و ارزش يك دسته گل به يك درهم رسید . معلوم میشود که در آن عصر گل فروشي وجود داشته و در روزهای جشن و سرور ارزش بیشتری می یافته است . یا به نوشته این بلخي روزي قباد با جمعي از بزرگان نشسته بود ، فرزندش انوشیروان دسته گل یا گلي خوشبوي (سپر غم) به پدر تقدیم می کند . روی به پدرش قباد آورد و زمین بوس کرد ، و خدمت به جا آورد و به دو زانو ایستاد و سپر غم پیش پدر داشت . قباد آن سپر غم بستند و او را در کنار گرفت و بیوسید . و به نوشته نوروزنامه (منسوب به حکیم عمر خیام نیشابوري) به هنگام تحویل سال در نوروز ، میدان از جمله با دسته ای خوید (سبزه گندم یا جو تازه رسته) به حضور ملك می رفت . در منظومه شور انگیزه ویس و رامین که مایه های داستانی آن از عهد پارتها است به حضور دسته های گل در مراسم جشن نوروزي ایرانیان اشاره ای دارد : گل و نرگس به هم دیدي به نوروز .

در منظومه های حماسي و داستانی سخن سرايان ایرانی نیز به فراواني از دسته گل به مناسبت های مختلف یاد شده است . در اینجا بر حسب تقدیم تاریخي وقایع ، نمونه هایی از آن نقل میشود . به روایت فردوسي وقتي کیکاووس بن کیقباد (دومین شهر یارکیني) همه آفاق جهان را تسخیر می کند ، اهریمن دیوي را به صورت غلامي خوش برخورد و سخنگوي و شایسته انجمن با دسته گلي بر سر راه او به نخچیر گاه می فرستد . غلام به کاووس بر می خورد و بیامد به پیشش زمین بوس داد / یکی دسته گل به کاووس داد و گفت : گرفتي زمین و آنچه بد کام تو / شود آسمان نیز در دام تو و به این ترتیب وسوسه تسخیر فضا را در کیکاوس بر می انگیزد که داستان آن مشهور است . کیکاوس برای رستم در زابل پیام می فرستد که خیلی سریع ، حتي اگر دسته گل در دست داري بگذار و چالاکانه به دربار بیا : اگر دسته داري به دستت مبوي / یکی تیز مغز و بنمای روی .

گشتاسب بن مهراسب (پنجمین شهریار کیانی) ، کنایون دختر قیصر روم را می پسندد . کنایون دسته گلي به نشانه رضایت به او می دهد و متقابلا دسته گلي خوشبوي میگیرد :
یکی دسته دادي کنایون بدوي
ازو بستدي دسته رنگ و بوي .

کتایون با کنیزکانش به انجمن قیصر با دسته گل‌هایی وارد میشود :
کتایون بشد با پرستار شصت
یکی دسته تازه نرگس به دست.

فردوسی در داستان غم انگیز بیژن و منیژه نیز ضمن وصف بزم شهریار که : همه باده خسروانی به دست
و دسته های گل در پیش روی دارند می گوید :
می اندر قدح چون عقیق یمن
به پیش اندرون دسته نسترن

ایران‌شاه ابی‌الخیر در منظومه دلنشین بهمن نامه ، چگونگی مراسم واگذاری تاج و تخت از سوی بهمن
بن اسفندیار بن گشتاسب ، به دخترش همای را وصف کرده (گویی مضمین سنگ نگاره های تخت
جمشید را تجسم بخشیده با این تفاوت که خشایارشا در پست سر داریوش گل در دست گرفته است .
بهمن فرمان می دهد همه سران و موبدان گرد آیند و جهان پهلوان مامور سازمان دهی جشن باشکوه
می شود :

هم آنکه بفرمود شاه بلند
که آن بارگه برکشد او بلند
سران سپه راز لشکر بخواند
همه موبدان را بدانجا نشانند
نشست از بر تخت فرخ همای
با ستاد بهمن به پیشش به پای
یکی دسته گل نهادش به دست
کیانی کمر بر میانش بست
نخستین کسی زان همه سرافراز
جهان پهلوان برد پیشش نماز

در منظومه ویس و رامین که داستان آن منشا از مناع عصر اشکانیان دارد ، شاه موبد از شهر و (شهریانو)
اهل ماه آباد (ایالت ماد) خواستگاری می کند ، و پیمان زناشویی می بندند که حاصلش دختری زیباست
که نامش را ویس می گذارند . شاه موبد به نشانه خواستگاری دسته گلی صد برگ (سرخ) به شهر و
می دهد :

به تنهایی مر او را پیش خود خواند
بسان ماه نو بر گاه بنشانند
به رنگ روی آن ماه پریراد
گل صد برگ یک دسته بدو داد

سالهایی سپری گردید . ویس زیباترین گلرخان ، ورامین برادر شهریار ، دلباخته یکدیگر شدند .

روزی ویس به نشانه پیمان و عهد دسته گلی از بنفشه به ورامین هدیه می کند.
به ورامین داد یک دسته بنفشه
بیادم دار گفتار این همیشه
و در ادامه با گفتاری نغز ، پیمان شکن را با چنین مضمونی نفرین می کند :
چو گل یک روزه بادا جان آن کس
که از ما بشکند پیمان از این پس .

شاه موبد با تمهیداتی رامین را از ویس دور می کند . رامین در شهرک گوراب (در نزدیک ملایر کنونی) به زیبارویی با نام گل دل می بازد . روزی با یاران در گلگشت باغ و راغ ، واقعه ای پیش می آید که رامین را به یاد پیمان با ویس می اندازد و عهد شکنی اش تداعی می شود .

ز بارانش یکی حور پرزاد
بنفشه داشت یک دسته بدو داد
دل رامین بیاد آورد آن روز
که پیمان بست با ویس دلفروز

زان پس رامین با یاد روی و موی دلدارش ویس :

به اندر گل صد برگ جستی
به یاد روی او بر گل گرسی
بنفشه برچدی هر بامدادی
به یاد زلف او بر باد دادی.

برابر روایت فردوسی ، در عصر شاپور ساسانی ، فرستادن دسته های گل در مراسم تدارک جشن ها و بزمها ، متداول بوده است :

خورش ها فرستاد و چندی نبید
هم از بوی ها نرگس و شنبلید.

و برای بهرام گور سپر غم ها و دسته گل های شاهانه به ارمغان می رسد :
شتروار ها نار و سیب و بهی
از گل دسته ها کرده شاهنشهی

دربار ساسانی بسیار با شکوه بود . در عصر خسرو پرویز عظمت آن فزونی یافت . در منابع قدیم از گنج ها و تجملات خسرو پرویز روایات زیادی نقل شده است . بر طبق روایت فردوسی ، چون خسرو پرویز عزم شکار می کند در مسیر نخجیرگاه ساز و برگ عظیم و تدارکی حیرت انگیز مهیا شود ، از آن جمله :
سیصد مرد سوار با زین و برگ ، ۱۱۶۰ مرد زوبین به دست ، ۱۰۴۰ شمشیر دار زره پوشیده ، ۷۰۰ مرد نگهدار باز (به اصطلاح قوشچی) با پرندگان شکاری (باشه ، چرخ و شاهین) ۷۰ شیر و پلنگ تربیت شده (آموخته) ۷۰۰ سگ شکاری با قلاده زرین ، ۲۰۰۰ رامشگر شتر سوار با افسار زرین ، ۸۰۰ شتر با بار کرسی و پرده سرای و خیمه و خرگاه ، ۲۰۰ مرد با مشک های آب که مسیر را مرتباً آب پاشی کنند و دو صد مرد (غلام / بنده) با بخور سوز و دو صد مرد با دسته های گل و زعفران جلوتر از این کاروان عظیم حرکت می کرد . در بخوردان ها عود و عنبر می سوختند و زعفران می افشاندند تا رایحه بخور و بوی خوش زعفران و دسته گل های نرگس به مشام خسرو برسد .

به روایت نظامی گنجوی در مراسم استقبال شیرین از خسرو ملازمان (کمربندان) او همه دسته گلی در دست دارند و شیرین خود دسته گلی نرگس به دست گرفته است .

بعد از اسلام گل و دسته گل در نزد ایرانیان حرمت و اعتبار خود را حفظ کرد و شاید ارجمند تر شد . مطابق برخی نقل قول ها اعتباری که مردم به گل سرخ می دادند از سخنی منسوب به حضرت محمد مایه داشت ، که فرموده بود : به شب معراج گل سفید از عرق من آفریده شد و گل سرخ از عرق جبرئیل و گل زرد از عرق براق . خلفای اموی به عصر بیشتر از گل توجه داشتند . عرب ها زعفران و گلاب را به عنوان عطر بر تن و جامه خود می زدند . زعفران را از کرمانشاه و همدان و گلاب را از شهر جور = کور : فیروز آباد فارس وارد می کردند . در عصر عباسیان تمدن و فرهنگ ایرانی تأثیری عظیم بر دارالخلافه و جوامع اسلامی گذاشت . به گفته یکی از نویسندگان معاصر عرب ایرانیان در تمدن عباسی تأثیر به سزایی داشتند ولی تفوق ادبی آنها جز تفوق سیاسی شان نبود . این تأثیر در زمان هادی و هارون بیشتر شد و در عصر مأمون به اوج کمال خود رسید . بیشتر وزرای مأمون ایرانی الاصل بودند . مادر مأمون دختر استاسیس به نام مراجل ایرانی و اهل بادغیس ، و همسر او پوران دخت دختر حسن بن سهل سرخسی ، و هر دو خراسانی بودند . آداب و رسوم دربار ساسانیان در روزگار مأمون زنده شد . تقلید

جامه ها ، خوراکیها ، تجملات و از جمله گل و گل آرایي و تهیه دسته گل به پیروي از سنت هاي کهن پیشین اعتبار فراواني پیدا کرد .

تعبیرات و تشبیهات ایرانی رایج در عصر ساسانیان ، که دهان به دهان در نزد عامه مصطلح مانده بود وارد ادبیات عرب گردید . ادیبان و سخنوران به مجلس بزم دوستان دسته گل و میوه های خوشبوی می بردند . عبدان اصفهانی برخی از مضامین ایرانی را در سروده های عربی خویش گنجانیده است ، از جمله مضمونی به این شرح دارد : یارم گل و لیمویی با پوست دل انگیز ، رخ نمود ، به شادی رویش شراب نوشیدم ، آنگاه هم رنگ گل روی خود و لیمویی رخ من هدیه ام داد . به روایت عطار نیشابوری وقتی ابوالحسن نوری بغشوری (اهل بغشور خراسان در قرن ۳ هجری) بیمار شد ، جنید بغدادی به عیادت او آمد و گل و میوه آورد . ابن بزاز اردبیلی نقل می کند که شیخ صفی الدین اردبیلی جد صفویان دسته ای گل سرخ به شیخ زاهد داد . این اقدام عارفان حکایت از ارج نهادن به سنتهای کهن دارد . درخت همیشه سبز مورد با گلهاي زرد زیبا که قامتی چون درخت سرو کوچک دارد در ادوار باستان در نزد ایرانیان حرمتی چون درخت سرو داشته است . شاخه های این درخت را در مراسم قربانی برای تیمن به دست می گرفتند و همچون گل طراوت و جلایي شاعرانه و زیبا داشت . شاعران عصر عباسی تعبیرات ایرانی در باب دسته مورد و گل را در مضامین خویش بازتاب داده اند . مثلا شاعری مضمونی از این قرار دارد : وقتی دسته مورد به او هدیه کرد ، خرسند شد و چون گل به او پیشکش نمود افسرده به زاری در آمد چرا که مورد ماندگار و گل گذراست . در منابع ادبی فارسی از کوتاهی عمر گل سخن های بسیار گفته شده و مضامینی نغم و دلکش موجود است . در عصر عباسیان تربیت و آموزش کنیزکان زیبا روی متداول بود . کنیزان آیین بزم و انس را می دانستند . از باب نمونه کنیز زیبا و فرزانه مامون به نام تودد به میانی علوم و هنرهای آن روزگار آشنا بود . به طوری که در مناظره ای به پرسش های دانشمندان رشته های مختلف علم و ادب در حضور مامون پاسخ های دقیق و سنجیده ای داده که داستان آن در چهارصد و پنجاهم هزار و یکشب به تفصیل آمده است . از جمله طبیب دارالخلافة از تودد پرسید : از بهترین بقول (تره بار) خبر ده . کنیز جواب داد : بهترین بقول کدو است . طبیب پرسید بهترین ریاحین (سپرغم ها) کدام است ؟ . کنیز جواب داد : گل است و بنفشه . دیگر نمونه کنیزی به نام متیم هشامیه بود که سرآمد فرهیختگان و هنرمندان زن به حساب می آمد . او در قرن دوم هجری در بصره به دنیا آمد که به فرهنگ ایرانی کاملا غلبه داشت . متیم با جمالی زیبا با کسب دانش و هنر به کمال رسید به طوری که در شمار شعرا و ادبا و موسیقی دانان بزرگ غرب درآمد . او علاقه عمیق و توجهی دقیق به گل و پرورش آن داشت . گل بنفشه را می پسندید و انواع گل و لاله و سنبل را در خانه خویش می کاشت و گل همواره در آستین داشت و حرمت و عزتی پیدا کرده بود . همیشه دسته های گل و لاله تازه به او هدیه می کردند .

عید فطر و قربان در کنار نوروز ، مهمترین اعیاد بغدادیان محسوب می شد . اعیاد مسیحیان نیز مورد توجه و به بزم نشستن برخی خلیفگان بود . مثلا از احمد بن صدقه که روز عید سعنانین (جشن روز یکشنبه قبل از عید فصح ترسایان) نزد مامون رفته بود نقل کرده اند که گفته است بر مامون وارد شدم در آن هنگام در پیشگاه مامون بیست کنیز رومی ایستاده بودند ، همه زناز بسته ، دیبای رومی پوشید ، صلیب های زرین برگردن آویخته که در دست شاخه و برگ زیتون گرفته بودند ... کنیزها با انواع رقص پایکوبیدند . در جشن نوروز ثروتمندان هدیه های نفیس و گرانبها به خلیفه پیشکش می کردند ، اما طبقات متوسط مردم سبب میوه و دسته گل تحفه می بردند . محمود بن محمود اصفهانی از قول جاحظ به نکات ظریف چگونگی هدیه دادن به خلیفه را متذکر شده است . از جمله می نویسد : از ریحان معطر ، آنچه نام نیکو دارد چون گل و نرگس بفرستد و از هدیه یاسمن که به یاس من و تعبیری از نومیدي است . تعلق دارد تحرز نماید و نفرستد . مجالس بزم و باده گساری برخی خلیفگان افسانه آمیز بود و هزینه های هنگفتی بر بیت المال تحمیل می کرد . متوکل که ظلم و جور او بر آل ابوطالب و ایرانیان مشهور است در برپایی مجالس طرب و عیاشی و باده گساری ید طولانی داشت . او در جشن ختنه سوران پسرش متعز ۸۶ میلیون در هم خرج کرد و از جمله تعداد پنجهزار گل نرگس و ده هزار شاخه گل بنفشه تدارک دید . زنان زیبا در آن زمان خود را با حریر چینی و قصب مصری می آراستند ، آنها دسته گلی در دست داشتند ، و غلیه (عطرهای ترکیبی) و زعفران و سک (ترکیبی خوشبوی) و مشک و کافور و عطرهای آن عهد را بر خود می مالیدند .

رسم مردم ایران به خصوص دیلمیان این بود که برای تهنیت به بزرگی شاخه ای گل (ریحان : سپرغم) به او تقدیم می داشتند و هنگام دادن شاخه ریحان با گفتن جمله : عمرک الله برای او آرزوی زندگانی طولانی می کردند . مثلا وقتی که عضالدوله دیلمی به ولیعهدی رکن الدوله گزیده شد به مردم قباي مخصوص دیلمیان خلعت داد و آنان به رسم دیلم با تقدیم شاخه ریحان به او تهنیت گفتند . متوکل عرب ها و ترکان متعصب و دشمن آل ابوطالب را ارج نهاد و سرداران و کارگزاران و غلامان خاص خود را از بین آنان برگزید . پس از این ترکان نیرو گرفتند و قدرت خلیفگان بعدی را محدود کردند تا آنجا که به عزل و نصب آنان

می پرداختند. ابن خلدون با اشاره به همین اقدام متوکل او را مسبب پیدایی سلسله سلاطین ترک (چون غزنویان، غزان، سلاجقه و مغولان و غیره) معرفی کرده است. با این حال برخی از این غلامان ترک که به سرداری و امیرالامرای خلیفگان رسیدند خود یا پدرانشان در خدمت سلاطین سامانیان بودند و یا با اقامت های طولانی در قلمرو های با فرهنگ ایرانی به برخی آداب و سنن درباری ایرانیان آشنا شدند. مثلا در زمان خلیفه متقی در سال ۳۱۱ سرداران ترک در دارالخلافه جلسه کردند تا از بین سران خود فرمانروا را برگزینند. به نوشته ابن مسکویه رازی به این منظور بنا به رسم ایرانیان در هنگام گزینش رهبر، آس (شاخه درخت همیشه سبز مورد) و ریحان آوردند و خجج سپهسالار و شناخته شد.

ترکان ترکستانی تبار، خیلی زود مدارج فرمانروایی را با شیوه های مختلف کسب می کردند مثلا ابوالفضل بیهقی چگونگی ارتقای شغلی غلامی خوبروی، به نام نوشتن را شرح داده است او در دربار محمود و مسعود غزنوی، از شغل ساقی گری یال برکشید، کارش به سالاری لشکرها کشید.

هدیه گل دسته گل در سرتاسر قلمروهای فرهنگ ایرانی همواره استمرار داشته است. در منابع تاریخی و متون ادبی و سروده های شاعران پارسی گوی، طی مضامین زیبا و دل انگیز فراوانی به مناسبت های مختلف از هدیه دسته گل سخن ها رفته است. تهیه گل در همه فصول میسر نبوده به همین دلیل با تدابیری گل را از نقاط دوردست وارد می کرده اند. مثلا در عصر تیموریان در دوره شاهرخ از نقطه ای کوهستانی در ناحیه بادغیس گل را به هرات می آوردند. اسفزاری می گوید قریب به یک جریب باغچه ساخته و به آب باران پرورش داده شده و گل ها و درختان برآورده چنانچه در وقت تموز که در ممالک هیچ جا گل نیست. از آنجا به مجلس همایون گل آرند، چون آن موضع بیلاقی است. در غایت سردی هوا، گل و میوه آن در تموز می رسد.

ظاهرا برخی از دراویش با چگونگی پرورش گل در غیر فصل آشنا بوده اند. به طوری که در زمستان به مریدان خود شاخه گل یا دسته ای گل هدیه می کرده اند. مثلا یکی از نویسندگان معاصر واقعه ای از اواخر عهد قاجاریه را نقل کرده و نوشته است از کرامات درویشی به نام شیخ اسماعیل هدیه دسته گلی تازه و خوشبوی در زمستان به اسماعیل خان وکیل الملک است: وکیل الملک از آن دسته گل که در آن فصل زمستان در هیچ کجا یافت نمی شد به او هدیه شده بود تعجب کرد. اما این اقدام درویشان در عصر صفویه و یقینا پیش تر از آن سابقه داشته است. مثلا شیخ بهایی دانشمند مشهور در یکی از کتابهای حکایاتی شنیدنی درباره کرامات صوفیان نقل می کند. اینگونه کرامات در منابع مختلف ثبت شده است. مثلا صنایع السلطنه در عهد قاجاریه از زیارت مقبره سید گل سرخ در یزد سخن می گوید که در عهد شاه اسماعیل می زیسته است. صنایع السلطنه از قول مولف جامع مفیدی می گوید خمیر گیری اهل الله دست در خمیر برده شاخ نرگسی درآورده خدمت سید حسین فرستاد سید از مشاهده آن حال، چون گل برشکفت و دست مبارک در تنور تفته برده دسته گل سرخی برآورده نزد خمیرگیر فرستاد.

کرامات را بگذریم ظاهرا این افسانه ها ریشه در پندارهای مردمان نواحی خشک کرانه های بیابانی دارد که گل در مقایسه با نواحی معتدل و سرسبز اعتبار و حرمتی به مراتب بیشتر و حتی غیرقابل قیاس دارد. سنت تقدیم و هدیه دسته گل، به پیروی از سنتهای کهن باستانی در نزد ایرانیان محفوظ مانده، همانطور که مراسم نوروز ماندگار است. حتی مزداییان ایرانی که قرن ها پیش به هند رفته اند آداب و رسوم کهن خویش را حفظ کرده اند. در مراسم عروسی، دسته های گل سرخ یا گل های عطراگین به مهمانان می دهند. اصفهانی ها در اجرای مراسم خواستگاری از روش ساسانیان پیروی می کردند. یعنی هرگاه جوانی می خواست با دختری ازدواج کند دسته گلی نزد بستگان دختر می فرستاد. در صورتی که دختر یا بستگان او با چنین ازدواجی موافق بودند. متقابلا دسته گل سرخی برای خانواده پس جوان می فرستادند.

ایرانیان مخصوصا روستاییان همواره از مهمان و حتی اشخاص غریب که وارد آبادی آنها می شد دسته گلی به او هدیه می کردند. مثلا ژوبر فرستاده ناپلئون به دربار فتحعلیان شاه تعریف می کرد که پس از عبور از ناحیه بایزد یکی از سوارکاران کرد دسته گلی به او می دهد و سخنانی بس نغز متضمن تعبیرات ایرانی بیان می کند. این گفتار شورانگیز و در عین حال اندوه بار، حکایت از نومیدي و ناامنی و استبداد حاکم بر جوامع ایرانی این سوي و آن سوي مرزهای سیاسی در عصر فجر دارد. ژوبر می گوید آن سوار اسبش را رها کرد در حالی که با يك دست نیزه گرفته بود، دسته گلی سرخ به من تعارف کرد و گفت این گلها را بگیر، بر تو گذران آنها يك تصویری از زندگی است. زمان فرا می رسد و آنها پژمرده میشوند. دیری نمی باید که باد صحرا که باید گلبرگ های آنها را از هم بپاشد خواهد وزید. سرنوشت ما در سرزمین سلیوان همچنین است. خیلی کم پیش می آید که مردی بیش از سی سال در اینجا زندگی

کند . ژوبر واقعه شگفت انگیزی از قول مردمی کرد نقل می کند که رنج های بی حساب جوامع آن روزگار را از حکومت های ظالم بازتاب می دهد . ژوبر وصف مراسم عروسی کردها که همچون همه ایرانیان به توزیع شربت و شیرینی و نقل و گل می پرداختند شرحی نوشته است و می گوید و برای من يك قدح از آن شربت با يك دسته گل فرستادند . ژوبر از مهمان نوازی کردها تمجید فراوان کرده است .

جهانگردان غربی از خصلت مهمان نوازی ایرانیان و هدیه دسته گل بسیار سخن گفته اند . مثلا موریس دوکوئرته به تقدیم دو دسته گل زیبا توسط دهقانان تبریزی به عباس میرزا که خود شاهد بوده اشاره کرده است . کنت گوینو وارد کازرون شده است مردم با صمیمیت و گرمی زیاد با او برخورد داشته اند . او می گوید اهالی شهر در سرتاسر روز با ارسال هدایای گوناگون چون گل و میوه مهمان نوازی خود را نشان می دادند . مردمان روستایی به خصوص در کرانه های بیابانی يك شاخه گل را به صورت غیرقابل توصیفی دوست دارند . با این حال به تازه واردین به روستا ارج بیشتری می گذراند و همان گل را به او هدیه می دهند . مثلا صفاء السلطنه در عصر ناصرالدین شاه بر سر راهش در بیابان بین بجستان و طیس به آبادی کوچکی به نام ده محمد می رسد . اوایل اردیبهشت ماه بوده است که برایش دسته گلی سرخ نوبرانه هدیه می آورند .

هنریش بروگش در عصر قاجاریه ضمن اشاره به سنت هدیه گل در بین ایرانیان انواع گل های زینتی ایران را بر می شمارد و می افزاید ایرانیان کوچک و بزرگ و بدون استثنا از تماشا کردن و بویدن گل . این زیباترین پدیده طبیعت لذت می برند . و در تابلوهای نقاشی هم گرفتن گل در دست نشانه رضایت و خرسندی است . خانم کلارا کولیورایس ضمن شرحی درباره نوز می نویسد در ایران زمستان با آغاز نوز تمام می شود و شکوفه ها و میوه ها در همه جا صدای بهاری می زنند و این نشانه های زنده هر چه بیشتر در جشن نوز تجلی می یابند . نوبر هر میوه چون میوه سبز و نارس بادام یا خیار سبز ریز تعارف و هدیه میشود . سبزه و دسته های گل نرگس بهترین هدیه ها به حساب می آید . نوز زمان داد و گرفت است به امید دریافت هدیه عیدی می دهند .

افراد فرودست تر گل و گیاه و شیرینی هدیه می دهند . سنت بسیار کهن هدیه گل از عهد هخامنشیان تا به امروز پایدار مانده و مخصوصا سنگ نگاره های تخت جمشید بر پایی جشن نوز و تقدیم دسته گل و میوه و دیگر هدایا را به شهریار به نمایش می گذارد . سخن سرایان ایرانی به این نکات اشاره هایی دارند . مثلا خاقانی شروانی در قرن ششم هجری گفته است : عادت بود که هدیه نوزی آورند آزادگان به خدمت بانو و شهریار تحفه ها و هدایا را عوض می داده که در منابع کهن به اینگونه مراسم پرداخته شده گلها و میوه های هدیه نوزی را به ندیمان و درباریان هدیه می کرده است . مثلا ازرقی هروی میوه ها و گل های هدایی را که دریافت داشته دستخوش متذکر شده است :

عید شاداب درختی است که تا سال دگر
از گل و میوه او بوی همی یابی و فر ...
زین گل و میوه همان به که یکی گیردبار
زین گل و میوه چه گویی که چه باشد خوشتر
عید را دستخوش خویش گرفتیم ازو
میوه و گل به جزین گونه نخواهیم دگر...

باری پیروی از سنت های پسندیده کهن از خصلت های ذاتی ایرانیان بوده و حفظ همین آیین ها و سنتها مایه دوام ایران و فرهنگ ایرانی شده است.